

نماز خونین

غلامعلی غلامی

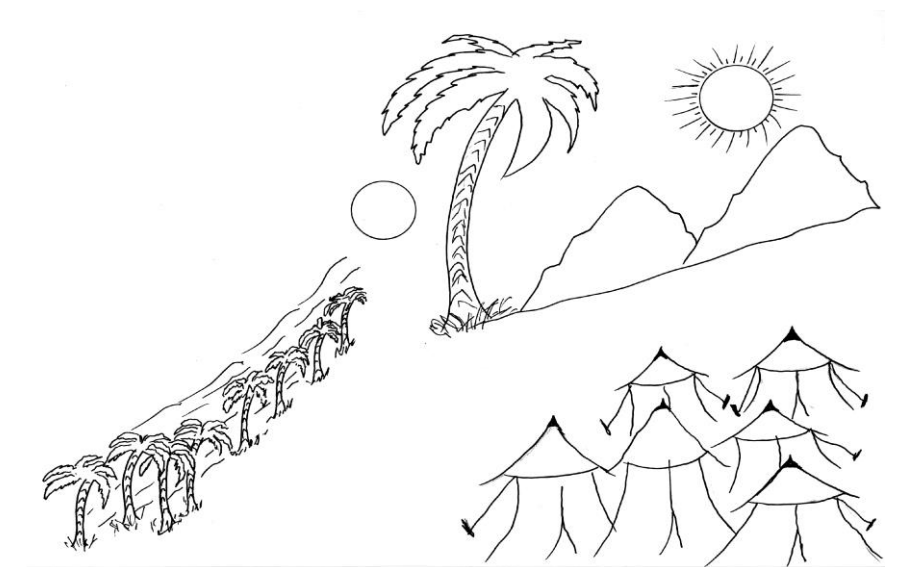
به نام آنکه گل را رنگ و بو داد زشبم لاله‌ها را آبرو داد
بچه‌های خوبم امیدوارم که حالتان خوب باشد. به من بگید که اون کدام کار خیلی
خوب است که جواب دارد اما سؤال نیست؟ خیلی عالی بود بله جواب سلام است؟
علیکم السلام.

حالا به من بگوئید که جواب سلام چیه؟ جواب سلام علیک السلام و یا سلام علیک
است. درسته اما جواب سلام واجبه یعنی ما باید حتماً حتماً حتماً جواب سلام را
بدهیم. حالا که مشخص شد که حواس‌ها جمع است یا نه. دست راست بالا. چرا؟
چون می‌خواهیم با هم نقاشی بکشیم. اما فرض اول یک تابلو بکشید. یک تابلوی
مستطیل لازم هم نیست خیلی بزرگ باشد.

حالا روی تابلو تقریباً وسط تابلو دو تا تپه بکشید. بعد از تپه‌ها بالای تابلو یک
خورشید طلایی هم بکشید که داره نورش روی زمین می‌پاشه. در گوشه سمت چپ
تابلو هم چند تا ستاره بکشید - کشیدید - چرا؟ مگر شب شده ستاره‌ها که تو روز دیده
نمی‌شن. سریع پاکشون کنید. حواس‌ها را جمع کنید.

حالا کنار تپه‌ها یک رودخانه هم بکشید و کنار رودخانه هم هشت تا درخت خرما
بکشید (اسم درخت خرما چیه؟) نخل. درسته پس سریعتر نخلها را بکشید. حالا سمت
راست رودخانه چند تا خیمه یا چادر هم بکشید خیلی خوب شد. دست‌هارو بردارید
بینم نقاشی کی قشنگ‌تر شده.

خیلی خوب شده حالا من هم نقاشی خودم رو می‌کشم بینم خوب میشه یا نه؟



حالا من یک شعر می خوانم در آخر هر قسمتش شما می گوئید نماز، ببینم شما بهتر می گوئید یا من:

نماز	توشه محشر
نماز	کلید کوثر
نماز	آیت سبحان
نماز	جلوه ایمان
نماز	راه شهیدان
نماز	پیام قرآن
نماز	جلوه ایمان
نماز	راه شهیدان

من هم نقاشی ام را کشیدم، تقریباً شبیه نقاشی شما شد. اما کافی است که من یک خط در این قسمت نقاشی ام بکشم که در این صورت نقاشی دیدنی من خواندنی هم می شود. حالا می توانید آن را بخوانید چی نوشتم؟

بله نماز اما نماز کی و یا کدام نماز، برای رسیدن به جواب عددهای نقاشی را از آخر به اول بگوئید: شش (نخل)، هشت (نخل)، یک (خورشید)، دو (تپه)

حالا در این مرحله حرف اول همهٔ جواب‌ها را کنار هم بگذارید چه کلمه‌ای به دست می‌آید؟ شهید نماز و یا نماز شهید.

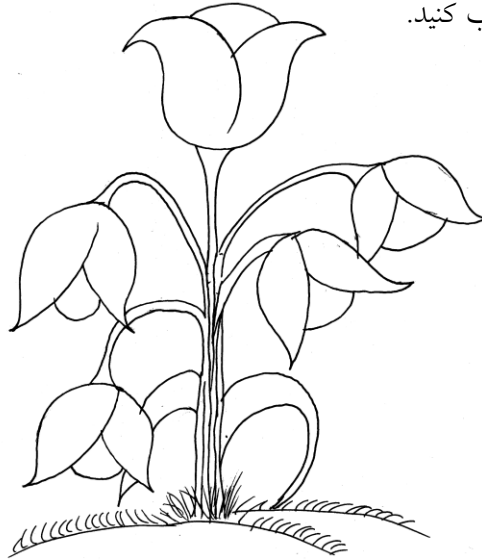
کی می‌تونه بگه که شهید نماز کیه؟ برای رسیدن به جواب به این داستان توجه کنید. هوا خیلی خیلی گرم بود آفتاب به وسط آسمان رسیده بود اما کاروان امام حسین علیه السلام همچنان در حال حرکت بود تا زودتر به کوفه برسد و مردم منتظر امام و رهبرشان را ببینند که در بین راه سپاهی جلوی کاروان را گرفت و فردی از طرف سپاه با صدای بلند فریاد زد: بایستید، بایستید، کسی حق عبور از این مسیر را ندارد. همه ساکت بودند و یکدیگر را نگاه می‌کردند که سواری، که از لباسش معلوم بود که فرمانده سپاه است، از سپاه جدا شد و خود را به کاروان نزدیک کرد و به طرف امام حسین علیه السلام رفت و از اسب به زمین پرید و به احترام حضرت به زمین نشست و به حضرت سلام کرد. امام جوابش را داد و فرمود: برخیز بگو که هستی؟ گفت: ای پسر رسول خدا مأمورم و معذور، به من گفته‌اند که نگذارم شما از این مسیر عبور کنید. مرا ببخشید. فرمانده سپاه منتظر بود که دستور امام را بشنود و سرش را به احترام حضرت پایین انداخته بود و به زمین خیره شده بود که ناگهان صدایی همهٔ فضا را پر کرد: الله اکبر الله اکبر. صدای اذان همه جا پیچید و همه آمادهٔ خواندن نماز ظهر شدند و همه حتی سپاهیان و فرمانده آنها با امام حسین علیه السلام نماز جماعت خواندند.

سؤال چه کسی می‌تواند نام فرمانده سپاه را حدس بزند؟ راهنمایی: این فرد روز عاشورا توبه کرد و در راه دفاع از امام حسین علیه السلام به شهادت رسید. جواب: خُر وقتی کاروان حضرت امام حسین علیه السلام به کربلا رسید لشکر مشرکین هر لحظه خود را آماده حمله می‌کردند و سر و صدای زیادی از طرف لشکر کفار به گوش می‌رسید. روز نهم محرم از لشکرگاه دشمن صدا بلند شد و سپاه عمر سعد خودشان را به خیمه‌ها نزدیک کردند طوری که احساس می‌شد که انگار قصد حمله به خیمه‌ها را دارند و سر و صدای سپاه پای اسب‌ها به راحتی از خیمه‌گاه امام حسین علیه السلام شنیده می‌شد و سپاه عمر سعد نزدیک و نزدیک‌تر می‌شد. امام حسین علیه السلام وقتی این صحنه را دید برادرش عباس را صدا زد و به او گفت: برو به آنها بگو که امشب را مهلت بدهند.

سؤال: چرا امشب را مهلت بدهند:

۱. تا خود را برای جنگ آماده کنیم، ۲. چون روز برای جنگ بهتر از شب است، ۳. تا امشب را به عبادت و نماز بگذرانند، ۴. چون ما موافق جنگ نیستیم.

امشب را به عبادت و نماز بگذرانند چرا که خدا می‌داند که «انی احب الصلوة» یعنی چی برای رسیدن به معنای جمله و اینکه خدا چه چیزی را می‌داند باید حروف پراکنده داخل لاله‌ها را مرتب کنید.



حضرت عباس رفت و مهلت گرفت و آن شب همه صحرا پر از صدای زمزمه دعا و نماز امام حسین علیه السلام و یاران باوفای حضرت شده بود و تا صبح همه در حال خواندن نماز بودند و ظهر عاشورا هم که همه در حال جنگ بودند و صدای شمشیرها و شیهه اسب‌ها همه جا را گرفته بود. ابو‌ثمامه که می‌خواست به میدان جنگ برود خود را با عجله به امام حسین علیه السلام رسانید و گفت: ای پسر رسول خدا می‌خواهم جان ناقابل را در راهت فدا کنم اما اجازه بدهید تا قبل از شهادت نماز ظهرم را که وقتش رسیده بخوانم. امام علیه السلام فرمود: خدا تو را از نمازگزاران قرار دهد که نماز را به یاد ما آوردی و حضرت علیه السلام و یارانش با هم نماز جماعت خواندند در حالی که هنگام نماز سعید یار باوفای حضرت در مقابل حضرت امام حسین علیه السلام ایستاده بود که تیری به امام علیه السلام نخورد اما با تمام شدن نماز به سبب تیرهای زیادی که به بدن سعید خورده بود به زمین افتاد و شهید نماز شد.

امام حسین علیه السلام و همه یاران باوفایش کشته نماز شدند و همه شهید نمازند. در پایان برنامه همه با هم به امام حسین علیه السلام و یاران باوفایش سلام می‌دهیم:

لاله سرفراز سلام علیک

ای شهید نماز	سلامّ علیک
ای شه کربلا	سلامّ علیک
درد ما را دوا	سلامّ علیک
ای شه سومین	سلامّ علیک
کشته راه دین	سلامّ علیک

سیدی یک نظر سوی ما کن قسمت ما همه کربلا کن